|  |  |
| --- | --- |
| پیامدهای شهرسازی معاصر ایران با تاکید بر ایجاد حس لامکانی (نمونه ی موردی شهر کرج)  **کیومرث حمزه ای1، بهاره دهقانی نجم آبادی2،**   1. کارشناسی ارشد، گروه شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. 2. کارشناسی ارشد، گروه معماری، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. | |
| Consequential Urban Consequences of Iran with Emphasis on Non-place (Case Study of Karaj City)  Keiomars Hamzei 1, Bahareh Dehghani Najmabadi 2,   1. Master, Department of Urban Planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran. 2. Master, Department of Architecture, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. | |
|  | |
| \*Corresponding Author: k\_hamzei\_54@yahoo.com E-mail: k\_hamzei\_54@yahoo.com | |
| **چکیده** |  |

در تقابل با مکان فضایی که نتوان آن را هویت ساز، رابطه مند و تاریخی تعریف کرد نامکان نامیده می­شود. در نامکان فرد می­تواند در عین حضور در جمع انسان­ها تنها باشد و در یک موقعیت بی هویت شدگی نقش بازی کردن را تجربه نماید. انسان­ها نیاز عمیقی به ایجاد ارتباط ذهنی با مکان­های معنادار دارند اما در نامکان­ها این ارتباط حذف شده است و فرد آن را خانه­ی خویش نمی­داند، برای ساختن آن اراده­ای نداشته، میل مشارکت به ساخت ندارد و نسبت به اتفاقات، مشگلات و مسائل شهری بی تفاوت است. در این پژوهش سعی بر آن گردیده است تا عوامل به وجود آورنده­ی یک جغرافیای نامکان در شهر کرج مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. روش تحقیق به صورت ترکیبی از روش کمی و کیفی است ابتدا با روش کمی نظریه­های موجود درباره­ی جغرافیای نامکان را بررسی می­کنیم سپس با روش کیفی به تحلیل اطلاعات به دست آمده از وضعیت موجود می­پردازیم. یافته­ها نشان می­دهد که کرج شهری با جغرافیای نامکان است که این پدیده، برای شهروندان عدم تعلق به مکان، عدم تمایل به مشارکت و خشونت را به ارمغان آورده است. یکی از بارزترین علل نامکانی این شهر تنوع خرده فرهنگی و مهاجر پذیر بودن آن است که با کلکسیونی از فرهنگ ها مواجه هستیم. در نتیجه تصویر ذهنی مشترکی از گذشته، تاریخ و فرهنگ شهری وجود ندارد.

**واژه­هاي کليدي**

مکان، لامکان، حس مکان، هویت، شهر کرج

**Abstract**

In contrast to the location of a space that can’t be identified, connection, historical, the name is called non-place. In non-place person, he can be alone in the presence of humans and experience role-playing in an unidentified position. Human beings have a deep need to establish a mental relationship with meaningful places, but in the non-place, this relationship is eliminated, and the individual does not consider it to be his own home. To create it there is no will, and there is no willingness to participate in it, and to events and problems and issues. Urban is indifferent. In this research, it has been tried to investigate the factors creating a non-geographic location in Karaj. The research method is a combination of quantitative and qualitative method. First, we examine the existing theory of non-geographic geometries with quantitative method and then we analyze the information obtained from the existing situation by qualitative method. The findings show that Karaj is a non-place urban area, which has led citizens to lack of location, unwillingness to participate and violence. One of the most prominent causes of non-place of this city is its subcultural diversity and its immigration, with a collection of cultures. As a result, there is no common image of the past and the history and culture of the city.

**Keywords:**

Place, non-place, Sense of place, Identity, City of Karaj

**1- مقدمه**

فضاهای شهری بی­انگیزه، یکنواخت، بی­کیفیت، غیر­انسانی و بی­معنی که همچنان با لجاجت راه خویش را ادامه می­دهد از مشخصه­های شهرهای امروزی است. زندگي در شهرهای امروزی دارای پيچيدگي­های زیادی است و هم زمان با امکانات و فرصت­های جدید، مسایل و مشکلات فراواني را نيز به همراه دارد. جین جیکوبز[[1]](#footnote-1) معتقد بود چون تمام افراد در خلق شهر تاثیر گذارند پس شهر برای هر­کس، چیزی برای عرضه کردن دارد. عناصر اساسی شهر از نظر او: مردم، خیابان، پارک، محله، دولت، اقتصاد بودند. کامیلو سیته[[2]](#footnote-2) در کتاب معروفش «هنر ساخت شهرها»، شهر را حافظ منافع و ضامن خوشبختی ساکنانش می­داند. لوئیس مامفورد[[3]](#footnote-3) در کتاب «شهر و فرهنگ» معتقد بود که شهرهای گذشته به مراتب بهتر از شهرهای امروزی بوده­اند. نظریه­ی مامفورد نشان دهنده­ی قدرت شهر در تشدید فرهنگ و آشکار سازی آن است.

هر شهری بازتاب ویژگی­های فرهنگی محیط خود است بنابراین شهرها با هم تفاوت دارند. کوین لینچ[[4]](#footnote-4) توجه به معنا در شهر را، سرلوحه کار خود قرار داد. او از اين بابت شهر را همچون «خانه­اي» می داند که افراد ساکن در آن مهمتر از کالبد آن هستند (شارع پور، 1395). نامکان­ها محصول شهرسازی معاصر با از بین بردن ارزش­ها و تحقیر گذشته و ترویج شهر ماشینی که سرعت کلید واژه ساختار روح آن می­باشد، نقش مکان را در هویت شهری نادیده گرفته و انسان برخاسته از این شهر را بدون تعلق مکانی به نوعی از خودبیگانگی دچار کرده است. زمانی که مکان هویت خود را از دست بدهد انسان دیگر نمی ­تواند با محیط خود احساس نزدیکی کند مثلا بگوید من اهل روم هستم یا من نیویورکی هستم. نامکان جایي است که در آن خاطره، روابط اجتماعيِ پایدار و هویت شکل نمي­گيرد. این پدیده برای شهروندان عدم تعلق به مکان، عدم تمایل به مشارکت و خشونت را به ارمغان آورده است (پناهی و کریمی خیاوی، 1391).

انسان­ها نیاز عمیقی به ایجاد ارتباط ذهنی با مکان­های معنادار دارند اما در نامکان­ها این ارتباط حذف شده و فرد آن را خانه ی خویش نمی­داند، برای ساختن آن اراده­ای ندارد و میل مشارکت به ساخت ندارد و نسبت به اتفاقات و مشگلات و مسائل شهری بی­تفاوت است. نامکان­ها باعث افزایش انزوای فردی می­شوند در این محیط­ها شهروندان احساس تعلق به محیط ندارند دنیای نامکان محکوم به انزوای فردی، گذرا بودن، موقت بودن و ناپایداری است انسان برخاسته از این شهر را بدون تعلق مکانی به نوعی از خودبیگانگی دچار کرده است. از نظر اوژه اینها یعنی شکل­های جدید­تر تنهایی، این موارد نیز به نوبه خود باعث نوستالژی (احساس غربت)، مکان­گرایی یا تضاد می­شود زیرا افراد در جستجوی سرزمین مادری و دلبستگی های خود هستند.

کرج یکی از کلانشهر­های ایران، مرکز استان البرز، مرکز شهرستان کرج و چهارمین شهرستان پرجمعیت کشور پس از شهرستان­های تهران، مشهد و اصفهان می­باشد. کرج یک شهر کوه­پایه ای در دامنه­ی رشته کوه­های البرز قرار گرفته است. هدف از این پژوهش شناسایی شهر کرج به عنوان یک شهر باقدمت و تاریخی و فرهنگی است یا بیشتر شهری است شبیه یک نامکان.؟ چه آیتم­هایی باعث ایجاد یک جغرافیای نامکان در این شهر گردیده است؟ و نامکانی این شهر چه تاثیری برر زندگی شهروندی افراد داشته است؟

**2-مبانی نظری**

**2-1-مکان**

رلف[[5]](#footnote-5) به عنوان یک پدیدارشناس، مکان را متشکل از محیط طبیعی و مصنوع در کنار اعمال انسانی و معانی می­داند که تجربه آن می­تواند در مقیاس­های مختلف روی دهد (رلف، 1976). در واقع، مکان پدیده­ای کلی و کیفی است که نمی­توان آن را به هیچ یک از خصوصیات آن، بدون از دست دادن طبیعت واقعی­اش کاهش داد. منظور از کلمه­ی مکان چیزی بیش از جایگاهی تجریدی است. منظور کلیتی است که از چیزهای عینی­ای که دارای مصالح مادی، شکل، بافت و رنگ اند، ساخته شده است. این چیزها یک خصلت محیطی را تعیین می­کنند که اساس مکان است (شولتز، 1394). مکان نه تنها به یک محل جغرافیایی اشاره دارد، بلکه مؤید شخصیت اصلی یک جا، که موجب تمایز آن از سایر جاها می­شود، نیز هست. مکان، زمینه­ای برای وقوع فعالیت هاست و عموماً دارای یک هویت شخصیت شناختی است. هویت مکان از ارزش­های فردی و جمعی نشات می­گیرد. شولتز مطالعه­ی مکان را مطالعه­ی رویدادها و حوادثی که در آن اتفاق می­افتد می­داند و معتقد است که مجموعه­ای از رخدادها، شکل­ها، رنگ­ها و بافت­ها شخصیت یک مکان یا هویت آن را شکل می­دهد (بهزادفر و شکیبامنش، 1393). جدول 1-1 تعاریف مکان از دیدگاه نظریه پردازان را نشان می­دهد.

**جدول 1-1 تعریف مکان و ویژگی­های آن از دیدگاه نظریه­پردازان، (نگارندگان)**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| تعاریف مکان | | | |
| ردیف | نظریه­پرداز | تعریف | ویژگی |
| 1 | شولتز | -مکان تجلی­گاه عینی زیست انسان است.  -مکان ثبات و پایداری فضایی و زمانی زیست جهان است.  -مکان فضای با احساس، درک شده و با خاطره عجین شده است.  -مکان جایی است که انسان بدان حس تعلق دارد و آن را قسمتی از وجود خود می­پندارد. | -خاطره  -احساس  -ادراک  -مشارکت  -حس تعلق |
| 2 | هایدگر | -مکان برای باشیدن انسانهاست.  -فضا هستی شان را از مکان می­گیرند و نه از فضا.  -مکان قلمرویی می­گشاید تا چیزهایی که به یکدیگر متعلق اند، گردآورد. | -ایجاد قلمرو  -وجود انسان |
| 3 | راپاپورت | -مکان یکی از 4 عنصر تعریف کننده­ی فضا است که در ترکیب با معنی، زمان و ارتباطات، محیط انسان ساخت را شکل می دهد. | -تعریف کننده ی فضا  -با معنا |
| 4 | رلف | -مکان فراتر از فضاست که واجد 3 خصوصیت معنا، محدوده کالبدی، فعالیت باشد.  -به معنی داشتن یک نقطه امن است که می­توان از آنجا به دنیا نگریست یک اتصال قوی که انسان را در موضعش با سایر اشیاء مرتبط می­سازد و دستیابی و یا ارتباط روحی و روانی با یک نقطه مشخص است.  -در مکان مردم چیزی فرارتر از خصوصیات فیزیکی را تجربه می­کنند. | -معنا  -حضور  -رویداد  -خاطره  -امنیت  -ادراک |
| 5 | افشار نادری | -مکان بخشی از فضای طبیعی یا ساخته شده است که به لحاظ مادی یا مفهومی دارای محدوده­ای مشخص است. | -توجه به مفاهیم  -اهمیت رفتار |
| 6 | عارفی | -مکان در اصل به روابط اجتماعی مربوط می­شود و به بررسی پیوندهای مردم و وابستگی آنها به مکان­هایشان یا ساختار احساسی­شان می­پردازد.  -مکان طبیعی ترین و خالص ترین نوع ارتباط بین مردم و فضا است. | -ارتباطی طبیعی و بی واسطه مردم با فضا |
| 7 | کوین لینچ | -مکان نشان منحصر به فردی دارد و قابل شناسایی است.  -مکان همراه با امنیت است و پایداری نیازهای زیستی انسان را در پی دارد. | -قابل شناسایی  -امنیت |
| 8 | مدنی پور | -مکان جایگاهی است فیزیکی با تمامی کیفیت های اجتماعی و مکانی­اش که علی رغم پذیرا بودن تحول پیوسته، از کلیت مادی اش باز دفاع می­کند و ارتباط متقابلش را در لحظه ای از زمان بازگو می­کند. | -دارای کیفیت اجتماعی  -دارای کلیت مادی  -منوط به وجود انسان |

**2-2-حس­مکان**

یکی از مفاهیم مهم و مؤثر در ارتباط انسان و محیط، حس­مکان است که از معیارهای اساسی ارزیابی محیط­های با کیفیت قلمداد می­شود. این مصداق از حصول معنای محیطی، دارای مراتب مختلفی بوده و بیانگر گستره­ای از انواع ارتباط فرد با محیط است (دهخدا، 1373). حس­مكان یك پیوند پویا است كه فرد در نتیجه دلبستگی به مكان، هوشیاری نسبت به مكان، تعلق به مکان، رضایت از مكان، و تعهد به مكان، آن را توسعه می­دهد. تعلق به مکان داشتن یعنی در حالت عینی روزانه پایگاهی وجودی داشتن. وقتی خدا به آدم گفت: تو بر روی زمین تبعیدی و سرگشته خواهی بود اصلی­ترین مسئله­ی انسان را فرا­رویش نهاد: گذر از آستانه و بازیابی مکان از دست داده (کاشی و بنیادی، 1392). این حس، عاملی است که موجب تبدیل فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه­ای برای افراد خاص می­گردد. علاوه بر این، حس­مکان، باعث دست­یابی به هویّت برای افراد می­شود (انصاری و همکاران، 1392). از نظر رلف حس­مكان مفهوم مشخصي نيست كه بتوان تعريف دقيقي براي آن ارائه داد، بلكه بايد با آزمون روابط ميان مكان و پايه­هاي پديدارشناختي جغرافيا سنجيده و ارزيابي شود (رلف، 1976).

**2-3-نامکان**

نامکان یا non-place متشکل از دو بخش است بخش اول مکان یا place به معنای جا و بخش ابتدایی آن پیشوند «نا» یا non است این پیشوند منفی­ساز بر سلبیت دلالت می­کند و حرف نفی است و بر منفی دلالت می­کند. پس نامکان به معنای چیزی است که مکان نیست و مکانیت از آن سلب شده است (دهخدا، 1373). نامکان­ها، فضایی هستند که ویژگی آن­ها، بی نام و نشانی افراد است که پذیرا شده و بر عده­ی این افراد نیز، هر روز افزوده می­شود. نامکان­ها نقطه مقابل خانه، محل اقامت یا مکان به معنای معمول کلمه است. استفاده کننده­ی نامکان تنهاست و در عین حال شبیه دیگران است (اوژه، 1387). نامکان درست نقطه مقابل مکان است و برخلاف آن سه عنصر رابطه، هویت و تاریخ و به تبع آن از معنا و تصور ذهنی انسان ها از این عناصر تهی است (پناهی و خیاوی، 1391). یک جغرافیای لامکان، فاقد چشم اندازهای گوناکون و هم چنین فاقد مکان­های با اهمیت را مشخص می­سازد. ما در حال حاضر داریم خود را در معرض نیروهای حس لامکانی قرار می­دهیم و داریم حس­مکان خود را از دست می­دهیم. حس لامکانی یعنی تضعیف هویت مکان­ها تا نقطه­ای که آنها نه تنها شبیه به هم به نظر می­آیند، بلکه مثل هم حس می­شوند و امکانات بی­مزه و یکسانی را برای تجربه در اختیار می­گذارند مانند وسایل ارتباط جمعی، فرهنگ توده­ای، بنگاه­های بزرگ تجاری، حاکمیت­های مرکزی قدرتمند و سیستم اقتصادی، که همه­ی اینها را در بر می­گیرد است (رلف، 1390). جدول 1-2 تعاریف فضای نامکان از دیدگاه نظریه پردازان را نشان می­دهد.

**جدول 1-2-تعریف نامکان و ویژگی­های آن از دیدگاه نظریه پردازان، (نگارندگان)**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| تعاریف نامکان | | | |
| ردیف | نظریه پرداز | تعریف | ویژگی |
| 1 | مارک اوژه | -در تقابل با مکان، فضایی که نتوان آن را هویت ساز، رابطه مند و تاریخی تعریف کرد، نامکان است.  -نامکان دنیایی که شبکه فشرده­ای از وسایل حمل و نقل در آن توسعه می­یابد.  -نامکان درست نقطه­ی مقابل آرمانشهر است: وجود دارد و هیچ جامعه­ی ارگانیکی را در خود جای نمی­دهد. | -فاقد هویت و رابطه و تاریخ  -پیوند با فضا از طریق متن  -ناپایداری و انزوای فردی  -بی هویتی فردیت و تنهایی  -عدم ارتباط و گذرا بودن |
| 2 | شولتز | -شهر امروز الهام بخش شاعران نیست، خیابان ها و میدان ها دیگر جایی برای اجتماع نیستند، بلکه صرفا وسیله­ی ارتباط اند.  -نظریه های مدرنیستی صرفا بر اساس داده های کمی شکل گرفته و ارتباطات کیفی و معنی دار در آنها فراموش شده است و بی مکانی را به وجود آورده است. | -پژمردگی و بیگانگی انسان  -جایگزینی ارتباطات کمی به جای ارتباطات کیفی  -عدم وجود معنا، مکث و اجتماع و تصویر ذهنی |
| 3 | ادوارد رلف | -نامکان ها خشک، بی روح و هدایت شده توسط دیگران و بی محتوا و پر زرق و برق اند.  -مکانی که فاقد معنا، نما، عملکردی کم و بیش کارآمد است. | -خشکی و بی روحی  -عدم مشارکت مردم  -بی محتوایی و ناشناخته |
| 4 | جی تاملینسون | -در عصر ارتباطات با تغییرات سریع در نظام کالبدی مکان ها، امر اجتماعی از دایره محدود مکان رها شده و در فضایی بسیار فراخ تر گسترش یافت. بنابراین فرآیند رابطه ی میان مکان های زندگی افراد با هویت های آن دگرگون شد. | -بی هویتی  -محصول جهانی شدن و ارتباطات |
| 5 | دیوید سالوان | -بی حوصلگی، یکنواختی و ظهور عصر دیجیتال از خصوصیات بی مکانی است. | -بی حوصلگی و یکنواختی  -ظهور عصر دیجیتال |
| 6 | پروین پرتوی | -توجه به کمیت ارتباط به جای کیفیت، پیوستگی احساسی با مکان را ازبین برده است.  -نامکان جایی است که باید از آن عبور کرد جایی که بیشتر حضور خدا گونه ی انسان تکنولوژی زده را به رخ می کشد تا مهر و لطف پروردگار را.  -مکان دارای ارتباط تاریخی با زمینه ی وسیع تر فیزیکی، فرهنگی یا احساسی است، در حالی که غیر مکان فاقد چنین ارتباطی است. | -توجه به کمیت ارتباطات  -فاقد هویت،تاریخ  -دسترسی آسان، یکنواختی و یکسانی و بی روحی |
| 7 | مهیار عارفی | -مکان موجب احساس ریشه دار بودن و تعلق به محیط گذشته و مجسم کننده خواست و اراده است، بی مکانی دلالت بر فقدان معنا دارد. | -فاقد زمینه ی فرهنگی و احساسی، فقدان معنا  -عدم احساس ریشه دار بودن |
| 8 | ناصر فکوهی | -در نامکان هویتی که باید در یک «فضای انسان شناختی» یا یک فضای فرهنگی ساخته شود، به صورت کامل شکل نمی­گیرد، زیرا در یک فضای غیر فرهنگی قرار می­گیرد.  -مکان برای زایش هویت است در­حالی که نامکان برای از بین­ بردن هویت | -وجود فضای غیر فرهنگی  -از بین بردن هویت  -نا آشنایی |

**2-4-اجزای جغرافیای لامکان**

با توجه به وجود آمدن نامکان­ها، دو نوع مفهوم مطرح می­گردد: اولی مفهوم جغرافیای نامکان و دومی بحران هویت است. در حالی­که اولی پیامدهای مستقیم مدرنیسم و کاپیتالیسم جهانی است دیگری نشان­دهنده یک تغییر اساسی در روابط اجتماعی است (عارفی، 1999). اجزای اصلی یک جغرافیای لامکان را این چنین خلاصه می­کنیم که در آن محلیت­های متفاوت، هم شبیه به هم به نظر می­رسند و هم شبیه به یکدیگر احساس می­گردند؛ که در آن مکان­های متمایز صرفاً از طریق تصاویر سطحی و کلیشه­ای و به عنوان پس زمینه­­ هایی غیر متمایز صرفاً از طریق تصاویر سطحی و کلیشه­ای به عنوان پس زمینه هایی غیر متمایز و بی ثبات برای نقش­های اجتماعی و اقتصادی مان تجربه می­شوند (رلف، 1390). تصویر 1-1 مظاهر حس لامکانی را نمایش می­دهد.

**تصویر 1-1-مظاهر حس لامکانی، (رلف، 1390).**

**2-5-حس لامکانی**

حس لامکانی یعنی تضعیف هویت مکان­ها تا نقطه­ای که آنها نه تنها شبیه به هم به نظر می­آیند، بلکه مثل هم حس می­شوند و امکانات بی­مزه و یکسانی را برای تجربه در اختیار می­گذارند. حس لامکانی به ژرف­ترین سطوح مکان باز می ­گردد. ریشه­ها را می­برد، نماد­ها را می­فرساید، تنوع را با یکسانی و یک شکلی و نظم تجربه شدنی را با نظمی مفهومی جایگزین می­کند. حس لامکانی در ژرف ترین سطحش مشتمل است بر یک بیگانگی نافذ و شاید غیر قابل برگشت از مکان­ها به عنوان خانه انسان. ریلک اعلام کرد که «آن کس که اینک هیچ خانه­ای ندارد، هیچ خانه­ای را دیگر نخواهد ساخت» (رلف، 1390). جدول 1-3 ویژگی­های کلی یک فضای نامکان را نشان می­دهد.؟

**جدول 1-3-ویژگی های فضای نامکان، (نگارندگان).**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **کالبدی-فیزیکی** | **فردی-ذهنی** | **رفتاری-اجتماعی** |
| وجود فضای غیر فرهنگی | بی حوصلگی و یکنواختی | توجه به کمیت ارتباطات |
| عدم تثبیت یافتگی در شکل و محتوا | نا آشنایی | عدم مشارکت مردم |
| یکنواختی،یکسانی و بی روحی | عدم حس تعلق به محیط | عدم ارتباط و گذرا بودن |
| عملکرد گرا | عدم احساس ریشه دار بودن | پیروی از قوانین واحد |
| فاقد نشانه و نماد | اغتشاش | پژمردگی و بیگانگی انسان ها |
| پیوند با فضا از طریق متن | بی هویتی | توجه به قدرت و سرگرمی |
| زرق و برق | جذابیت تکنولوژی | عدم مکث و اجتماع |
| ناشناخته | عدم وجود تصویر ذهنی از محیط | عدم ارتباط کیفی و معنایی |
| عدم حضور جامعه ی ارگانیک | نبود احساس اراده | محصول جهانی شدن و ارتباطات |

**3-شناخت محدوده­ی مورد مطالعه**

شهر کرج با ارتفاع 1297 متر از سطح دریا، در فاصله 48 کیلومتری غرب شمالی تهران واقع شده است. این شهر با مساحتی معادل 175/4 کیلومتر مربع و حریمی به وسعت 178/9 کیلومتر مربع در دامنه رشته کوه البرز مرکزی قرار دارد و مرکز شهرستان کرج می­باشد. کرج در36 کیلومتری غرب تهران و در کرانه غربی رود کرج و در دامنه جنوبی رشته کوه البرز قرار گرفته است. روند رشد جمعیت در شهر کرج به شدت افزایش یافته است، به گونه­ای که جمعیت آن طی سال های 90-1345 بیش از 30 برابر شده و از حدود 45 هزار نفر در سال 1345 به 1819 هزار نفر در سال 1395، با نرخ رشد سالانه 7/7 رسیده است. پیامد این رشد لجام گسیخته جمعیت، افزایش بی رویه و نابسامان تراکم در شهر از 6/3 نفر در هکتار در سال 1345 به 6/103 نفر در هکتار در سال 1395 بوده است. بر اساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن درسال 1395 جمعیت شهر کرج با یک میلیون و 973 هزار و 470 نفر، چهارمین شهر پرجمعیت کشور محسوب می­شود. كرج سرزميني است داراي شناسنامه تاريخي و فرهنگي، اما با تمام قدمت، نوپا انگاشته مي شود، با وجود اين كه اين شهر، باستاني تر از آن است كه به چشم مي خورد. اين شهر، تاريخي ديرينه دارد كه نيازمند توجه و تامل است.

**3-1-جغرافیای انسانی شهر کرج**

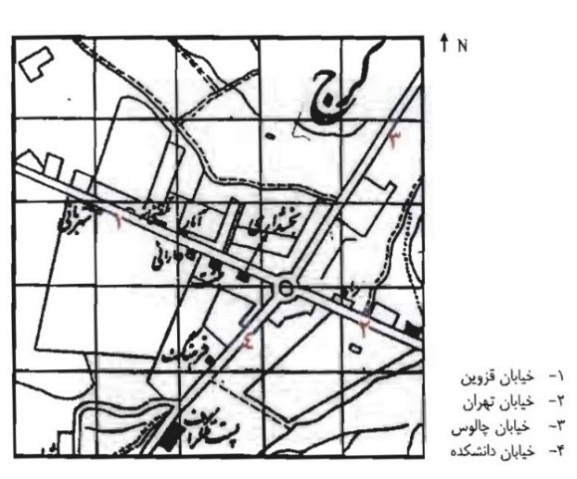
**3-1-1-وجه تسمیه شهر کرج**

کرج از کلمه کراج به معنی بانگ و فریاد است. زیرا در تپه آتشگاه و کوه­های کلاک و قلعه دختر شهرستانک و بز قلع اشتهارد در ایام تابستان برای خبر رساندن و دیده­بانی آتش افروزی می­شد و در موقع جنگ بدینوسیله از هجوم دشمنان با خبر می­شدند، در آن روزگار ممکن است، نام کرج، کراج بوده است. در فرهنگ نفیسی کرج به معنی گوی، گریبان، چاک و شکاف آمده و آن رودخانه ایست که در کوه­های شمال غربی ری جاری می­شد و بلوک شهریار و ساوجبلاغ را مشروب می­سازد و نام دهی است در کنار این رودخانه که پادشاهان قاجار در آنجا بناها و قصرهای عالیه بنا نموده­اند. همچنین در کتب مختلف آمده، لفظ کرج از کلمه کرژ به معنی کوهپایه است.

**3-1-2-روند شکل گیری و توسعه شهر در ادوار تاریخی**

آبادی قدیمی کرج در اطراف رودخانه امیر­کبیر و در موقعیت طبیعی دره کرج قرار گرفته که در قدیمی‌ترین مأخذ به نام نزهت ‌القلوب به تاریخ 740 ه.ق، متعلق به حمداله موستوفی از آن به عنوان دیاری خوش آب و هوا یاد شده است. شواهد حاکی از آن است که در نتیجه قرارگیری در دامنه‌های حاصل‌خیز البرز و استعدادهای منابع طبیعی و آبی این سلسله جبال، کرج از دوران باستان، سرزمینی پرجاذبه و مرکز آب و آبادانی بوده است. ‌به گونه‌اي كه شرايط مطلوبي براي مسافران و كاروان‌هاي تجاري، كه از كنار آن عبور مي‌كرده‌اند، فراهم مي‌آورد. گواه این امر، آثار باستانی با ارزشی است که در گوشه و کنار این جلگه وسیع و در حاشیه راه‌های ارتباطی کهن آن وجود دارد و از آن جمله می‌توان به تپه‌های آق تپه و مراد تپه، قلعه‌های تاریخی تنگ گسیل و شهرستانک از دوران ساسانیان و قبل از آن و آثار متأخرتری نظیر میدانک مغولی، پل و کاروانسرای صفوی، کاخ‌های قاجاری و کاخ‌های دوره پهلوی اشاره نمود. اهمیت کرج در زمان صفوی و به دلیل قرارگیری در حد فاصل قزوین و تهران، افزایش می‌یابد که از شکل‌گیری بناهای این دوره، همچون کاروانسرا و پل صفوی (در هسته اولیه شکل‌گیری کرج)، این موضوع به خوبی پیداست. باشکو‌ه‌ترین دوره تاریخی کرج، دوره قاجاریه به ویژه عصر فتحلی شاه، ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه بوده که با زمان شکل‌گیری مدرسه فلاحت یا مظفری (به عنوان نخستین مدرسه کشاورزی کشور و مکانی به منظور آموزش به کشاورزان در دوران حکومت مظفرالدین شاه) مقارن است. در دوره قاجاریه و پس از پایتختی تهران، کرج به واسطه نزدیکی و نیز آب و هوای دلپذیر، پوشش گیاهی و باغات مصفای آن به تفرجگاه تابستانی شاهزادگان و درباریان قاجار تبدیل گشت و در این دوره، مجموعه سلیمانیه و عمارت ییلاقی فتحلی شاه در هسته اولیه شکل‌گیری کرج در جوار رودخانه ساخته شد. از این دوره به بعد، مرحله دگردیسی تدریجی روستا به شهر آغاز می‌گردد. با اهمیت یافتن آب و هوای ییلاقی شهر کرج به وسیله پادشاهان قاجار، هسته اولیه شکل‌گیری شهر در جوار رودخانه کرج و با حفظ فاصله محیط زیستی و احترام به بستر طبیعی این رودخانه در محدوده ای به نام مصباح شکل می‌گیرد.

خاک حاصل‌خیز و باغات سرسبز و خرمی که در زمان شکل­گیری این مرکزیت وجود داشته است به همراه وجود عملکردهایی همچون، مقبره امامزاده حسن، کاروانسرای شاه عباسی و حمام مصباح، نشان‌دهنده آغازی از تجمع گروهی و بسترسازی زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. کرج در قدیم یک از ییلاق ها و گردشگاه های مردم به ویژه اهالی تهران بوده است. در اسناد تاریخی گوناگون نام کرج آورده شده است. حدود پنجاه سال پیش (دهه 1330) کرج از یک میدان و چهار خیابان که از آن منشعب می­شد، تشکیل شده بود. خیابان­های چهارگانه عبارت بودند از: خیابان تهران، خیابان چالوس، خیابان قزوین و خیابان دانشکده. تمام این مجموعه در ساحل غربی رود کرج و در دامنه غربی کوه قرار داشت. از میدان کرج آن سالها تنها یک چهار­راه باقی مانده که چهار خیابان اصلی شهر را به هم متصل می­کند (طالبی، 1391)، (تصویر 1-2 و 1-3).



**تصویر 1-2-نقشه کرج سال 1330، (طالبی، 1391).**



**تصویر 1-3-تصویر میدان کرج سال 1350، (طالبی، 1391).**

بنابراین تا این زمان شهر کرج مکانی انسان شناسانه است، زیرا دارای تاریخ، هویت، گذشته و فرهنگ شناخته شده و معنادار است.

**4-تحلیل و بررسی**

**4-1-بررسی شاخصه های نامکانی در شهر کرج**

**4-1-1-نماهای شهری بی هویت**

با توجه به رابطه فعالیت­های انسان با فرهنگ، شهر بستری است که در آن فرهنگ از طریق فعالیت­ها و ارتباطات انسانی به جریان درمی­آید. کالبد شهر، بالاخص نماهای شهری به بازنمایی این رابطه پرداخته و ارزش­های سنت­های هم زیستی را عینیت می­بخشند (حیدری و همکاران، 1392). متاسفانه در شهر کرج با نماهایی مشوش و بی­هویت روبرو هستیم که نه تنها فرهنگ و تاریخ شهری را نمایش نمی­دهند بلکه ظاهر آشفته­ای به شهر نیز داده­اند به نوعی که احساس آشفتگی در شهر کاملا حس می­شود. بافت شهری متشکل از احجام پراکنده‌ای است؛ تهی از ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی که بحران هویت شهری و معماری را نمایان‌تر می‌سازد. این در­حالی است که مردم نیازمند تغییرات در شهرها هستند. آنها برای شادابی بیشتر نیاز به تنوع رنگ، فضا و محیط دارند و درصورت بی‌توجهی به این امر، فضاهای شهری ما روز به روز خموده‌تر و غمگین‌تر می‌شود و نتیجه، بی‌تفاوتی مردم نسبت به محیط پیرامون­شان است (تصویر 1-4).

**تصویر 1-4-نماهای شهری بی هویت، (نگارندگان)**

**4-1-2-وجود تنوع خرده فرهنگی در مقیاس شهر مهاجر پذیر کرج**

با ورود گروه­ها و هویت­های خرد به شهر کرج به عنوان محیط جدید، ساختارهای جامعه جدید و برخورد با دیگر خرده فرهنگ­ها، رفتار و تعاملات اجتماعی افراد و خانواده­ها را دگرگون می­سازد و این سبب پایین آمدن سطح مشارکت اجتماعی افراد در شهر کرج می­شود. به این صورت که بر اساس مطالعات انجام شده توسط جامعه شناسان وقتی افراد با هر هویتی به کلانشهری مثل کرج وارد می­شود در دریای گسترده و تازه­ای شناور است جایی که معمولا شناخت و آگاهی از هم و مراودات به ندرت صورت می­گیرد و از همه­ی فرهنگ ها­ی کرد و لر و آذری و.. در همسایگی، محله و محل کار دیده می­شود لذا پیوند های اجتماعی فراتر از روابط خانوادگی و همسایگی گسترش می­یابد وافراد سعی می­کنند روابط خود را به چندی خاص محدود کنند با کاهش روابط اجتماعی میزان اعتماد و رضایت از زندگی نیز کاهش می­یابد و به تبع مشارکت اجتماعی نیز کم می­شود لازم به ذکر است که میزان و کیفیت مشارکت اجتماعی از شاخص های توسعه یافتگی است لذا می­تواند در نهایت جریان توسعه و رشد شهری در کرج را با مشکل مواجه کند. افراد در این جامعه نسبت به مسائل و آسیب­های زندگی اجتماعی دیگر افراد بی­اعتنا و روابط سطحی و سوری می­شود در نهایت منافع شخصی را به منافع عمومی جامعه ترجیح می­دهند.

**4-1-3-عدم وجود المان و نشانه شاخص شهری**

نشانه، عنصر طبیعی یا مصنوعی است که به لحاظ شکل و عملکرد با محیط اطراف متفاوت بوده و جهت القای حس­مکان و هدایت­گری برای شهروندان مورد استفاده قرار می­گیرد. تقویت کردن این عناصر، به عنوان نمودِ کالبدی ارزش­های معنایی و فرهنگی جامعه، می تواند موجبات ارتقای تصویر ذهنی شهروندان و خوانایی فضای شهری را فراهم کند (ترکاشوند و مجیدی، 1392). به طور کلی ساختار ذهن ما ساختاری علامت ساز و نمادپرداز است. این علامت­ها و نمادها برای ما این امکان را فراهم می­کنند که با محیط پیرامون خود ارتباط برقرار کنیم. ما اغلب مکان­ها یا وقایع را با نشانه­هایی که در ذهن خود ثبت کرده­ایم، به یاد می­آوریم (پاکزاد و بزرگ، 1393). کرج کهن با آن پیشینه دیرپا، اکنون بی‌هویت به نظر می‌رسد زیرا عاملی وجود ندارد که خاطره‌ی جمعی را در ذهن شهروندانش تداعی کند. کوین لینچ، در کتاب معروف خود؛ سیمای شهر، نشانه‌ها را عواملی مهم در تشخیص قسمت‌های مختلف شهر می‌داند، اشیائی با ظاهر مشخص مانند ساختمان‌ها، علائم، فروشگاه‌ها و یا حتی یک کوه، عواملی که بتوان از میان عوامل دیگر در سطح شهر آن را بازشناخت، این نشانه‌ها چه در داخل شهر باشند چه در پیرامون، در جهت‌یابی هم به شهروندان کمک می‌کنند، یک گنبد طلایی، یک تک برج و یا حتی یک تپه‌ی بزرگ می‌تواند به عنوان یک نشانه‌ی خاص در شهر عمل کند. عناصری که به دلیلِ بی‌اعتنایی مسئولانِ طراحی و برنامه‌ریزی شهری، چنان در کرج کمرنگ شده‌اند که به سختی می‌توان آن‌ها را بازشناخت.

**4-1-4-سکونت های غیر رسمی**

تراکم بالای جمعیت در شهر کرج، بالا بودن قیمت مسکن و اجاره بها، پایین بودن سطح معیشت در خرده فرهنگ­های مهاجر، باعث رشد سکونت­گاههای غیر­رسمی و حاشیه نشینی شده است به گفته­ی مسئولین 3/1 درصد جمعیت کرج حاشیه نشین هستند. این امر از دو جهت به افزایش جرم و بزهکاری دامن می­زند: نخست این که در حاشیه­ها دسترسی به سرانه های بهداشتی، آموزشی و فرهنگی بسیار پایین است و این زمینه را برای جرم، جنایت و بزهکاری (دزدی، مواد مخدر قاچاق و فساد و…) فراهم می­کند. دوم این که زمانی که گروه­های فرهنگی مهاجر وارد کرج می­شوند احساس می­کنند در محیط جدید در معرض شکاف عمیق طبقاتی و قومیتی قرار گرفته­اند و از آنجا تصور می­کنند کسی آنها را در محیط نمی­شناسد به شغل­های کاذب و فاسد روی می­آورند که به نوعی هم هویت خود را به جامعه بشناسانند و هم سطح منزلت اجتماعی خود را بالا ببرند. تمام این محلات بدون تاریخ مشترکند. در هيچ محله ای پدیده­ی تاریخي مشترک، باور مشترک، ارزش­های مشترک و اسطوره­ای واحد وجود ندارد. رابطه­ی افراد در این محلات اندک است، چون هرکدام از ایل و طایفه­ی خاصي هستند و هنوز در بافت شهری حل نشده­اند. سکونت­گاه های غيررسمي بيشتر به نامکان شبيه هستند تا مکان. سکنه­ی آن به مانند روستای مرزی یونان در فيلم «گام معلق لک لک» ساخته­ی آنجلوپولوس (1991)، وابستگي کمي به مکان دارند. نکته این جاست که در هيچ­جا مکان صرف و نامکان مطلق وجود ندارد، اما با توصيف ویژگي­های آن­ها مي­توان فهميد کفه­ی ترازو به سوی کدام یک سنگين­تر است (قلی پور و کاظمی، 1394).

**4-1-5- ناخوانایی ورودی شهر**

ورودی شهرها از مهم­ترین فضاهای شهر بوده که با اتصال محیط بیرونی و ساختار اصلی شهر می­تواند نقش سازنده­ای در ارتقاء و تقویت جایگاه ورودی­ها و سایر عناصر مرتبط با آن داشته باشد. ورودی شهر­ها یکی از جذاب­ترین نقاط شهر و از تاثیرگذارترین خاطره­های آن شهر محسوب می­شود. نخستین تصویر دهنی از یک شهر که در ارزش­گذاری مخاطب بر کیفیت محیطی شهر بسیار موثر می­باشد، به وسیله مبادی ورودی آن ایجاد می­شود. این فضاها به علت عدم برخورداری از سیمای مطلوب، جذابیت بصری و توانایی ایجاد انگیزه در ناظر، توانایی القا کنندگی حس ورود به شهر را دارا نیستند (قنبران و چمن آرا، 1395). وجود سکونت­گاه­های غیر رسمی در ورودی شهر باعث به وجود آمدن منظر و سیمایی زشت و بی سامان و ناهماهنگ شده است (ورودی غرب). ورودی­های کرج که می­بایست بهترین و زیبا ترین نقاط یک شهر باشند آن چنان نازیبا و نا به سامان هستند که نشانی از دروازه­ی ورودی یک شهر بزرگ را ندارند. و فرد با ورود به شهر با نمایی از سکونت­گاه­های غیر رسمی و نا به سامان مواجه می­شود.

**4-1-6-عدم وجود فضای تنفسگاهی**

قرار گرفتن در فضاي مدرن و افزايش جمعيت و رشد شهرنشيني، شهرها را به کانون تجمع­هاي زيستي و فعاليت­هاي مختلف و متنوع تبديل کرده و آنها را با کمبود فضاهاي سبز عمومي روبرو نموده است. اين در حالي است که با گذر از فضاي مدرنيته و قرار گرفتن در جهان پست مدرن و به وجود آمدن حس نوستالژيک در اين فضا، نياز شهروندان را براي گذران اوقات فراغت افزايش داده و بازگشت به فضاهاي سبز در شهرهاي مدرن را باعث شده است که اين خود آثار اجتماعي، رواني و فرهنگي زيادي را بر شهرنشينان واقع در اين فضاها بر جاي مي­گذارد. اگر شهر، مهد و گهواره انسان امروزی است، هرچه این گهواره شاداب تر و سرسبزتر و شکوفاتر باشد، امنیت و آرامش در آن بیشتر و رشد به­هنجار و موزون انسانی بیشتراست. تقسيم ناعادلانه كاربري مهم­ترين مسأله­ای است كه ذهن همه را به خود مشغول كرده است. با بررسی کاربری­ها مي­توان به این مورد پی برد که كاربري مسكوني در شهر كرج، بيشترين كاربري را به خود اختصاص داده است و با كمبود فضاي سبز مواجه هستیم. چنانچه در طرح­هاي مصوب كرج عدم تقسيم عادلانه كاربر­ي­ها بر روي اراضي مالكين ديده مي­شود، و در نهايت مساله تغيير زمين­هاي كشاورزي به كاربري مسكوني از مهم­ترين مقوله­هاي شهري مطرح در كرج مي­باشد و كمبود فضاي سبز در كرج به طور جدي مشاهده مي­گردد و اگر ميزان فضاي سبز موجود را بر تعداد واقعي كرج تقسيم كنيم رقمي به دست خواهد آمد كه احساس كوير بودن كرج را به انسان تقديم مي­كند.

**4-1-7-عدم وجود فضای همگانی برای نمایش تئاترهای شهری**

امروزه فضاهای همگانی شهری علاوه بر این‌که مکانی برای حضور مردم و محل تعاملات اجتماعی شهروندان است، به‌عنوان فضای گردشگری نیز مورداستفاده گردشگران قرار می‌گیرد. ازآنجایی‌که جذابیت فضاهای مورد بازدید گردشگران اهمیت زیادی در سرزندگی و ایجاد حس خاطره‌انگیزی افراد دارد، رفاه و آسایش نیز می‌تواند در تداوم حضور­پذیری مردم در هر فضا تأثیرگذار باشد (ملکیان، 1393). ایجاد فضاهای همگانی و جمعی باعث حضور افراد در فضاهای شهری شده و خاطره ی جمعی، ارتباط صمیمانه و حس­تعلق را به وجود آورده و تعاملات اجتماعی را افزایش می­دهد.

**4-1-8-نبود هویت شهری**

در واکاری مفهوم هویت شهری وعناصر سازنده­ی آن می­توان به موضوعاتی همچون؛ زمان، مکان، قومیت، اعتقادات، آداب و رسوم، زبان مشترک و گویش­ها و پوشش­های محلی اشاره نمود. هویت از آنجا که ریشه در تاریخ زندگی اجتماعی آدمی دارد دارای بعد زمانی، است همچنین در بطن این مفهوم نوعی تعلق به سرزمین وجود دارد که به آن بعد مکانی می­دهد و از سوی دیگر هویت با اعتقادات و باورها پیوندی ناگسستنی دارد چنان­که با نژاد و قومیت و امثالهم دارای رابطه­ای انکار ناپذیر است. محله گرایی به عنوان شعارمحوری متولیان فرهنگ شهری می­تواند در تغییر شرایط فرهنگی شهر به زیستگاهی مطلوب موثر باشد. بهتر است هر کدام ازاین قومیت­ها در یک منطقه سکونت یابند و این همسایگی و نزدیکی باعث هماهنگی، پیوند عاطفی و تعلق­خاطر اجتماعی می­گردد و به این­ترتیب می­توانند به احساس امنیت و آرامش دست یابند. هویت شهری و احساس تعلق به شهر به افزایش مشارکت شهروندان در مدیریت­شهری و کاهش آسیب­های اجتماعی منتج می­شود که این موضوع در بهینه­سازی و تامین منابع اقتصادی، کاهش هزینه خدمات، افزایش انسجام اجتماعی، کاهش تنش­های ناشی از زندگی شهری و رضایت شهروندان نقش بسیار موثری دارد.

**4-1-9-عدم وجود مبلمان شهری**

طبعاً شکل­گیری عناصر بصری که تصویر هر شهر را به وجود می­آورند، خاطره­ای را برای هر بیننده در ذهن باقی می­گذارند به عبارتی هر امکانی در مکان ممکن می­شود. تا ذهن بروز هر واقعیتی را در مکانیت وقوع آن صورت بندی و بازشناسی کند. پس فرآیند ادراکی انسان از مجموع حوادث بیرونی و احوال درونی مرتبط با آنان به آگاهی­اش از مکان منوط می گردد (مجیدی، 1394). با طراحی مبلمان­های شهری مرتبط با فرهنگ و تاریخ شهر، می­توان خاطره­ی جمعی و تصویر ذهنی از شهر و افزایش روابط اجتماعی را به وجود آورده و به شهر معنا بخشید.

**4-1-10-کرج کلکسیونی از فرهنگ ها، نبود اسطوره­ها و تاریخ و فرهنگ شهری مشترک**

تنوع و تعدد قومیت­ها در این شهر به نحوی است که آن را به کلکسیونی از فرهنگ­ها مبدل ساخته است، فرهنگ­هایی که بعضاً هویت­شناسی نشده است و هیچ آمار مدون و مشخصی در این خصوص وجود ندارد. مهاجرت اقوام مختلف در بازه زمانی کمتر از 25 سال موجب گردیده جمعیت و به تناسب آن قومیت­ها به 125 درصد افزایش پیدا کند. از این میزان جمعیت فقط 45 درصد بومی استان وشهرکرج هستند و 60 درصد مابقی را مهاجران سایر شهرستان­ها تشکیل می­دهند. مشکل­ترین بخش در مطالعات آمایش استان البرز بخش فرهنگ آن است زیرا به تعداد افراد و نگرش­ها فرهنگ و دیدگاه فرهنگی وجود دارد. با توجه به این تنوع فرهنگی در این شهر با عدم وجود فرهنگ و تاریخ شهری مواجه هستیم که تصویر ذهنی از گذشته و تاریخ و فرهنگ شهر وجود ندارد همچنین اسطوره­های این شهر بی­نام و نشان هستند و تصویر ذهنی از آنها وجود ندارد.

**5-نتیجه گیری**

بحران مکان به مفهوم بحران اجتماعی از فضا و زمان از بارزترین مشگلات شهرسازی معاصر است. بحرانی که در ایجاد فضاهای شهری فاقد هویت، تاریخ و فاقد ارتباط تبلور یافته است. انسان مدرن فراموش کرده است که کیست و معنای وجودی او چیست و از این رو حس مکان خود را در جهان از دست داده است. مکان دارای یک ارتباط تاریخی با یک زمینه وسیع تر فرهنگی فیزیکی یا احساسی است مکان باعث ایجاد احساس ریشه­دار بودن و تعلق به گذشته است در حالی که نامکان فاقد این خصوصیات می­باشد. بی­مکانی موجب عدم احساس ریشه­دار بودن و عدم تعلق به محیط گذشته و عدم وجود خواست و اراده است، بی­مکانی دلالت بر فقدان معنا دارد. با بررسی­های انجام شده به این نتیجه رسیدیم که شهر کرج، شهری نامکان بوده که شاخصه­های نامکانی در جای جای آن به چشم می­خورد.

یکی از اصلی­ترین علل وجود نامکانی در این شهر تنوع خرده فرهنگی و مهاجرپذیر بودن آن است که با کلکسیونی از فرهنگ­هایی مواجه هستیم که بر معماری و شهرسازی و حتی مسئولان شهری تاثیر گذاشته است. پیامدهای یک فضای نامکان؛ کاهش روابط اجتماعی، بی تفاوتی نسبت به محیط، عدم احساس ریشه دار بودن، عدم ادراک محیط شهری، تنهایی و انزوا و... است. این گونه مکان­ها فرد را به سوی تنهایی و انزوا سوق داده در نتیجه همه­ی اینها محیط را بستری مناسب برای جرم، جنایت و افراد بزه کار فراهم می­آورد. برای داشتن مکان شهری مناسب باید نامکان ها را به خوبی بشناسیم و سعی در از بین بردن آن­ها و تبدیل محیط شهری به مکانی معنادار و امن برای آسایش و راحتی شهروندان داشته باشیم. جدول 1-6 به بررسی شاخص های نامکانی در شهر کرج می­پردازد.

**جدول 1-6-بررسی و تحلیل شاخص های نامکانی شهر کرج، (نگارندگان)**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ردیف | شاخص های نامکانی | پیامد |
| 1 | نماهای شهری بی هویت | بی تفاوتی نسبت به محیط  زرق و برق  عدم وجود معنا  ناخوانایی |
| 2 | وجود تنوع خرده فرهنگی در مقیاس شهر مهاجر پذیر کرج | پایین آمدن سطح مشارکت اجتماعی  کاهش روابط اجتماعی  کاهش رضایت از زندگی  بی اعتنایی نسبت به مسائل شهری |
| 3 | عدم وجود المان و نشانه شاخص شهری | عدم نمایش فرهنگ و تاریخ شهری  عدم ایجاد خاطره جمعی  عدم احساس تعلق به محیط  ناخوانایی  عدم وجود تصویر ذهنی از محیط  نبود حس هویت |
| 4 | سکونت های غیر رسمی | افزایش جرم و بزه کاری  عدم وجود امنیت اجتماعی  عدم وابستگی به مکان  اغتشاش |
| 5 | ناخوانایی ورودی شهر | عدم وجود معنا  سیما و منظر نامطلوب  یکنواختی،یکسانی و بی روحی  عدم وجود تصویر ذهنی از محیط |
| 6 | عدم وجود فضای تنفسگاهی | عدم وجود تعاملات اجتماعی  تنهایی و انزوای فردی  عدم مکث و اجتماع |
| 7 | عدم وجود فضای همگانی برای نمایش تئاترهای شهری | عدم ایجاد خاطره جمعی  عدم تعاملات اجتماعی  عدم مکث و اجتماع |
| 8 | نبود هویت شهری | عدم احساس تعلق به محیط  عدم ایجاد خاطره جمعی  عدم وجود تصویر ذهنی از محیط  عدم احساس ریشه دار بودن  نا آشنایی  اغتشاش |
| 9 | عدم وجود مبلمان شهری | عدم وجود تصویر ذهنی از محیط  یکنواختی،یکسانی و بی روحی  عدم وجود معنا  عملکرد گرا  بی حوصلگی و یکنواختی |
| 10 | کرج کلکسیونی از فرهنگ ها، نبود اسطوره ها و تاریخ و فرهنگ شهری مشترک | عدم وجود تصویر ذهنی از محیط  بدون تاریخ  عدم وجود تاریخ شهری  عدم نمایش فرهنگ شهری  عدم احساس ریشه دار بودن  تنهایی و انزوای فردی  عدم وجود معنا  عدم وجود تعاملات اجتماعی  پایین آمدن سطح مشارکت اجتماعی |

**مراجع**

* اوژه، م. (1387) نامکان ها: درآمدي بر انسان شناسي سوپر مدرنيته، ترجمه منوچهر فرهومند، (چاپ اول)، انتشارات دفتر پژوهش هاي فرهنگي.
* انصاری، م. بحتویی، ر. حسینی کیا، م. دادگر، م. (1392) "بررسي حس مكان در باغ ايراني و بوستان هاي امروزين (مطالعه موردي: باغ دولت آباد يزد و بوستان آب و آتش تهران) "، مجله مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره 13.
* بهزادفر، م. شکیبا­منش، ا. (1393) "جستاری بر فلسفۀ پدیدار شناسی مکان؛ بررسی اندیشه های دیوید سیمون در رابطه با مفهوم خانه به مثابه یک مکان"، مجله هویت شهر، سال 8، شماره 17.
* پاکزاد، ج. بزرگ، ح. (1393) الفبای روانشناسی محیط برای طراحان، (چاپ دوم)، انتشارات آرمانشهر.
* پناهی، س. کریمی خیاوی، ا. (1391) "دیالکتیک شهرهای جدید، شهرهای عام وحس مکان"، همایش ملی صد سال معماری و شهرسازی معاصر ایران، 15 مهر، کرج، ایران.
* ترکاشوند، ع. مجیدی، س. (1392) "بازشناسی برخی نشانه ها در فضای شهری"، نشریه انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره 6.
* حیدری، ع. یزدانفر، ع. بهدادفر، ن. (1392) "ارائه مدلی برای تبیین پارامترهای تاثیرگذار در معنای مکان در محیط های آموزشی"، نشریه انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره 5.
* حیدری، ا. صالحی، ا. زبردست، ل. فریادی، ش. (1396) "بررسی اثربخشی سامان دهی بصری کارکرد فضاهای شهری (مطالعه موردی: خیابان انقلاب اسلامی، تهران) "، مجله مطالعات ساختار و کارکرد شهری، شماره 15.
* دهخدا، ع. (1373) لغت نامه فارسی، چاپخانه مجلس شورای ملی.
* رضایی، س. رفیعیان، م. عباس، ا. (1395) "ارزیابی تاثیر پذیری حس تعلق شهروندی از حس مکان با تاکید بر مولفه معنا ی آن؛ نمونه موردی: شهر جدید پردیس"، نشریه مدیریت شهری، سال 15، شماره 44.
* رفیعیان، م. تقوایی، ع. خادمي، م. علي پور، ر. (1391) "بررسی تطبیقی رویکردهای سنجش کیفیت در طراحی فضاهای عمومی شهری"، نشریه انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره 4.
* رلف، ا. (1390) مکان و حس لامکانی، ترجمه دکتر جلال تبریزی، (چاپ اول)، انتشارات آرمانشهر.
* ساسان پور، ف. بهبودی مقدم، ح. احمدی، ب. (1394) "ارتقاع کیفیت محیط شهری با تاکید بر ادراک محیطی شهروندان"، مجله شهر پایدار، دوره 2، شماره 4.
* شارع پور، م. (1395) جامعه شناسی شهری، (چاپ نهم)، انتشارات سمت.
* شکوئی، ح. تبریزی، ج. (1382) "تاثیر نوسازی بر ایجاد حس لامکانی"، رساله دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس.
* شولتز، ک. (1393) گزیده ای از معماری: معنا و مکان، ترجمه ویدا نوروز برازجاني، (چاپ اول)، انتشارات پرهام نقش.
* شولتز،ک. (1394) روح مکان به سوی پدیدارشناسی معماری، ترجمه محمدرضا شیرازی، (چاپ پنجم)، انتشارات رخ دادنو.
* طالبی، م. (1391) "رد پاي تاريخ در خيابان هاي كرج"، مجله معماری و فرهنگ، سال 13، شماره 47.
* عباسی، ز. حبیب، ف. مختاباد امرئی، م. (1394) "تحلیل انگاره های محیطی موثر بر مولفه معنا در بازار سنتی ایرانی؛ (نمونه موردی: مقایسه تطبیقی بازار سنتی کاشان و مجتمع تجاری صفویه کاشان) "، مجله مدیریت شهری، دوره 14، شماره 40.
* فلاحت، م ص. (1385) "مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن"، مجله هنرهای زیبا، شماره 26.
* قنبران، ع. چمن آرا، ح ر. (1395) "ارزیابی معیارهای عملکردی موثر بر پیوند فضای شهر با محیط و مبادی ورودی شهرها"، نشریه انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره 11.
* قلی پور، س. کاظمی، ع. (1394) "گسترش نامکان ها و تهدید حیات شهری؛ (مطالعه موردی کرمانشاه) "، مطالعات جامعه شناختی، دوره 22، شماره 1.
* کاشی، ح. بنیادی، ن. (1392) "تبیین مدل هویت مکان-حس مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن (نمونه موردی: پیاده راه شهرری) "، نشریه هنرهای زیبا، دوره 18، شماره 3.
* کیانی، م. پورعلی، م. (1390) "بازشناسی مکان؛ (مطالعه موردی: میدان شهرداری رشت) "، نشریه نامه معماری و شهرسازی، دوره 4، شماره 8.
* لینچ، ک. (1395) تئوری شکل شهر، مترجم سید حسین بحرینی، (چاپ هشتم)، انتشارات دانشگاه تهران.
* مجیدی، س. (1394) "بررسی تاثیر مبلمان شهری بر هویت بخشی شهر؛ (نمونه موردی:شهر کرج) "، سومین کنگره بین المللی عمران،معماری و توسعه شهری، 20 مهر، تهران، ایران.
* ملکیان، م. (1392) "تبیین نقش فضای همگانی در توسعه گردشگری شهری"، مجله هفت حصار، دوره 2، شماره 5.
* نقی زاده، م. زمانی، ب. کرمی، ا. (1389) "ملاحظات فرهنگی در شکل دهی به نماهای شهری با تکیه بر ساختار نماهای شهری ایرانی در دوران اسلامی"، مجله هویت شهر، سال 5، شماره 7.
* Arefi, M. (1999) .non-place and placeless as narrative of loss: rethinking the notion of place, journal of urban design. Vol 4. No 2.
* Relph, E. (2008) Disclosing the ontological of place, Environmental & Architectural phenomenology. No 1, winter.
* Relph, E. (1976) .place and placeless. Pion: London.

1. Jane Jacobs [↑](#footnote-ref-1)
2. Camillo Sitte [↑](#footnote-ref-2)
3. Lewis Mumford [↑](#footnote-ref-3)
4. Kevin Lynch [↑](#footnote-ref-4)
5. Edward Relph [↑](#footnote-ref-5)